

نفرین زمیں

جلال آل احمد



سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور: آل احمد، جلال ۱۳۰۲ - ۱۳۴۸.
مشخصات نشر: نفرین زمین / جلال آل احمد.
مشخصات ظاهری: تهران: نشر به سخن، ۱۳۹۴.
شابک: ۲۴۸ ص. ۵/۱۴×۲۱ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: ۸ - ۱۴ - 7987 - 600 - 978
موضوع: داستان های فارسی - قرن ۱۴.
رده بندی کنگره: ب ۱۳۹۴ ن ۷ / PIR ۷۹۳۴
رده بندی دیویی: ۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۳۱۱۳



انقلاب، خ. ۱۲ فروردین، خ. جافی نژاد، شماره ۲۴۰
تلفن: ۶۶۴۹۱۵۸۸ - ۶۶۴۹۱۵۸۹ - ۶۶۴۹۱۵۹۰

نفرین زمین
جلال آل احمد

چاپ پنجم (اول ناشر)، تهران، زمستان ۱۳۹۴ ه.
۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی غزال، چاپخانه‌ی جام طلایی
شابک: ۸ - ۱۴ - ۷۹۸۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸

همه‌ی حقوق محفوظ است.

کتاب فوق تا نوبت چاپ چهارم توسط انتشارات مجید منتشر شده است.

www.majidpub.com

۱۲۵۰۰ تومان

عنوان‌های چاپ شده‌ی این انتشارات از مرحوم جلال آل احمد

داستان:

دید و بازدید
از رنجی که می‌بریم
سه‌تار
زن ریادی
سرگذشت کندوها
مدیر سه
نوب و القلا
نفرین زمین
پنج داستان
چهل طوطی (یا زمین‌خواران)

مشاهدات:

اورازان
جزیره‌ی خارک در یتیم‌خانی خلیج فارس

سفرنامه:

خسی در میقات
سفر به ولایت عزرائیل

مقالات:

هفت مقاله
ارزیابی شتابزده
غرب‌زدگی
در خدمت و خیانت روشنفکران
یک چاه و دو چاله

ترجمه:

داستایوسکی	قمارباز
آلبر کامو	سوء تفاهم
ژان پل سارتر	دستهای آلوده
اوژن یونسکو	کرگدن

فهرست

۹	مقدمه
	گامشماري
۱۳	ميزان
۶۵	عقرب
۱۲۵	قوس
۱۷۴	حمل
۱۹۹	ثور
۲۲۹	کوسه بر نشين

مقدمه

کتاب حاضر را می‌توان به عنوان یک اثر سیاسی و اجتماعی از زندگی مردم روستایی است که معلم این ده در طول دهه‌ها به صورت شبه خاطرات روایت می‌کند. جلال در این رمان به مسائل ارباب و رعیتی یا سیستم فئودالیت روستایی می‌پردازد و مشکلاتی که مردم روستاها در روزگار خود او با آن دست به گریبانند را نقد می‌کند.

قانون «اصل چهار» با شعار اصلاحات ارضی بازنه دهات به این روستا هم آمده. روستاییان، ساده و بی‌سواد و به نوعی عقب مانده نشان داده می‌شوند؛ اما هر یک به نوعی با این قانون برخورد می‌کنند. مالک روستا، پیرزن، کارافتاده و زمینگیر؛ اما مدیر و مدبر و باسیاست است که سعی می‌کند در تمام این شرایط مردم ده را نیز در نظر بگیرد و به کارهای ده با روشی کدخدایانه و با رعایت اصولی دموکراسی سر و سامان بدهد. این زن با مباشرش که مدت‌ها پیش یاغی بوده و به دنبال فرار از مأموران حکومتی به این ده آمده ازدواج می‌کند تا بدین ترتیب هم از برش و قاطعیت او در انجام امور استفاده کند و هم او را از آوارگی و عصیان نجات دهد. مردم ده با وجود اینکه شاید از تصمیم‌های پیرزن ناراضی باشند؛ اما به احترامش سرانجام تصمیم او را می‌پذیرند. مدیر مدرسه آدم محافظه‌کاری است که در بعضی از کارهای ده از جمله آسیاب سنتی دست

دارد و با ورود آسیاب موتوری مخالف است؛ اما برای اخلال در کار آسیاب موتوری، دیگران را تحریک می‌کند.

مباشر به دنبال این است که هر طور می‌تواند زمینهای ده را تصاحب کند و حتی با پسر پیرزن بر علیه پیرزن تبانی می‌کند و به دنبال فروش قطعه‌ای از زمین توسط پسر مالک و بالا کشیدن نصف پول زمین، یک‌دانه از زمین را به عنوان حق سکوت از پسر پیرزن می‌گیرد.

معلم روستا تا پایان کتاب احساس می‌کند که وجود او باعث شده که از اتفاقات بسیار، جلوگیری شود؛ اما پس از مرگ بی‌بی و به وجود آمدن درگیرهای جدید بین مردم و مباشر که منجر به کشته شدن مباشر و زخمی شدن عده‌ای از روستاییان می‌شود، درمی‌یابد که این وجود پیرزن بوده که همه چیز را سر و سامان می‌داده. روستاییان را آرام می‌کرده و مردم او را جز غریبه‌ای که کارهای ده و مردمش بطی به و ندارد، به حساب نمی‌آوردند.

روستاییان با تمام سادگی و غرور خود از روند زندگی خود راضی نیستند. می‌دانند که به آنها ظلم می‌شود. اما نمی‌دانند چگونه با آن مبارزه کنند. گاه به خوبی مسایل را تجزیه تحلیل می‌کنند. اما سر بردانند و نمی‌دانند چگونه خود را از زیر بار رنج و سختی برهانند. معلم ده تنها کسی است که می‌کند و فکر می‌کند که باعث شده تا همه چیز بی‌جنگ و رنج و سر و سامان یابد اما با مرگ بی‌بی زخم کهنه روستاییان سرباز می‌کند و به خونریزی و درگیری و خونریزی می‌انجامد.

جلال در این داستان نیز مانند دیگر نوشته‌هایش در دهان شخصیت‌های رمان تکیه کلامهای مخصوص می‌گذارد؛ مثلاً یکی از سربینه‌ها مدام می‌گوید: «قربان»؛ سربینه دیگر تکیه کلامش «پدر آمرزیده» است؛ نقاش شورایی در پی هر جمله‌ای می‌گوید: «می‌دانی که» یا «می‌بینی که»؛ فضل‌الله ورد زبان‌ش «راستش» است. جز معلم ده که از شهر آمده، دیگر شخصیتها فاقد بینش سیاسی هستند؛ تنها بر این باورند که هیچ قانونی به نفع رعیت وضع نمی‌شود و هر چیزی که در بوق و کرنا

دمیده می‌شود و شعار پشتیبانی از کشاورز را بجار می‌زند، چیزی جز فریب تازه‌ای برای چاپیدن آنها نیست.

مردم روستایی به باورها و اعتقادات دینی بسیار پایبندند و این پایبندی تا آنجایی است که گاه به خرافات می‌انجامد.

زن در این رمان، هیچ جایگاه اجتماعی‌ای ندارد و برای مردان در حکم اسباب و اثاثیه خانه است؛ حتی گاه روستاییانی هستند که در مقابل مبلغی، دختران خود را به صیغه مردان ده درمی‌آورند؛ یعنی درحقیقت آنها را اجاره می‌دهند؛ مانگ در این داستان وقتی پدر و مادر فضل‌الله می‌خواهند برایش زن بگیرند؛ چند او مدتی مصدر خانه سرهنگی بوده و به گفته خودش در آنجا روابطی با زن سر یک داشته برای اینکه از سلامتی او مطمئن شوند؛ دختر چوپان ده را در ازای مبلغی بوا برایش صیغه می‌کنند تا اگر مریضی‌ای داشت؛ در این مدت معلوم شود و دیگر سرنوشت آن دختر برایشان مهم نیست و جالب اینکه پدر دختر نیز به راحتی این معامله را می‌پذیرد.

درویش علی با آنکه خود را آدم فهمیده‌ای نشان می‌دهد و مدام نمایش طرفداری از حق را می‌دهد؛ اما در اصل به دنبال منافع خودش است و چون از طرف مباشر بیشتر به او می‌رسد؛ طرفدار اوست و به او کمک می‌کند. نقش دوگانه درویش که از سویی به حال دهاتیها دل می‌سوزاند و از طرف دیگر در عمل از مباشر حمایت می‌کند؛ شخصیتش را تا حد یک مزدور و سربازده پایین می‌آورد.

معلم ده همکار دیگری به نام میرزاعمو دارد که قبل از ساخته شدن مدرسه، مکتب‌دار بوده و بعد از آنکه مدرسه ساخته شد، همان بساط مکتبش را در چارچوب آیین‌نامه آموزش و پرورش در مدرسه علم می‌کند. میرزاعمو بسیار پایبند باورهای مذهبی است تا جایی که معتقد است با کندن قنات در ده باعث شده‌اند که آب چاه عمیق روستای هم‌جوارشان به نام «گتته‌ده» خشک شود و درنهایت باعث آوارگی مردم و ویرانی آن ده شده‌اند؛ بنابراین تا آخرین لحظه

زندگیش از آب ده نمی خورد و هر سال آب باران جمع می کند و در طول سال از آن استفاده می کند. این اعتقادش که دیگر به حد خرافات رسیده، چنان محکم است که وقتی دو کوزه از کوزه های آب بارانش می شکند، مطمئن می شود که زمان مرگش فرارسیده است.

سرانجام باید گفت که این رمان نیز مانند دیگر نوشته های جلال آل احمد داستانی گزارش گونه و انتقادی از وضعیت سیاسی و اجتماعی روزگارش است که این بار در قالب نه ماه از زندگی یک معلم در روستایی محروم بازمی نماید. با آنکه موضوع داستان چندان تازگی ندارد و در آن از حوادث هیجان انگیز خبری نیست و تنها روند آرام و زندگی ساده روستاییان را بازمی گوید؛ اما شیوه گزارش نویسنده جلال، خواننده را تا پایان کتاب با خود می کشد و خواننده با اشتیاق تا پایان داستان را دنبال می کند.

سیدعلی شاهی